

## قیام خونین ۱۷ شهریور و پیامدهای آن

✦ محمد مهدی سیفی

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

### مقدمه:

شروع نهضت امام خمینی(ره) و مبارزات بی بدیلش در آغاز دهه ی چهل و قیام ۱۵ خرداد، اسلام سیاسی را در سطحی گسترده رویاروی رژیم قرار داد. تلاش های فکری و سیاسی حضرت امام(ره) به عنوان رهبر نهضت با توجه به گستره وسیع هواداران اسلام انقلابی در میان روشنفکران دینی، سرانجام در میان مجموعه مخالفان سیاسی رژیم، جایگاه استوار و خدشه ناپذیر آن را تثبیت کرد و به عنوان خمیر مایه فکری انقلاب توانست همه جریان های موجود را باخود همراه ساخته یا به حاشیه براند. اما این نهضت به جرعه ای نیاز داشت که در هفته دی ۱۳۵۶ افروخته شد و انقلاب را در شکل تازه ای که عبارت از رویارویی آشکار و مستقیم با رژیم پهلوی بود به حرکت در آورد و فضای نسبتاً مساعد سیاسی سال های پس از ۱۳۵۵ نهضت را سرعت و شتاب بیشتری بخشید، که طبیعتاً واکنش دولت، سرکوب خونین و قهرآمیز همه خیزش های انقلابی در تمامی مناطق کشور بود.

یکی از مقاطع حساس مبارزات ملت مسلمان ایران علیه رژیم پهلوی، قیام ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ می باشد که در این نوشتار به بررسی قیام و آثار آن خواهیم پرداخت.

در پی سیاست سرکوب خونین در اواخر بهار تا اواسط تابستان سال ۱۳۵۷ از شدت و گستره اعتراضات و فعالیت های مخالفان رژیم تا حد زیادی کاسته شد و در تیر ماه همان سال، اوضاع کشور کاملاً رو به آرامش نهاد. ناظران خارجی و مفسران سیاسی رژیم به این جمع بندی دست یافتند که شاه پس از یک رشته درگیری با شورشیان و سرکوب مخالفان از دی ماه ۱۳۵۶ تا خرداد ماه ۱۳۵۷، اکنون ابتکار عمل را به دست گرفته و کاملاً بر اوضاع مسلط است و اکنون هیچ خطر جدی رژیم را تهدید نمی کند. شاه در این دوران در یک مصاحبه تشریح کرد که "هیچ قدرتی توان کنار نهادن مرا نخواهد داشت. چه ۷۰۰ هزار تن نیروی از من پشتیبانی می کنند، همه کارگران و اکثریت مردم پشت سرم هستند و من قدرتمندم." (۱)

اما شهریور ماه سال ۱۳۵۷ که مصادف با ماه رمضان بود. در شب های این ماه مبارک، در اکثر مجالس مذهبی و مساجد از اسارت و خفقان و نبودن آزادی و توهین رژیم به مقدسات ملت ایران صحبت می شد و مردم اعتراض خود را در قالب راه پیمایی نشان می دادند. در شب های هفتم، هشتم و نهم شهریور ماه به هنگام تظاهرات بین مردم و عوامل رژیم درگیری به وجود آمد. این درگیری منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از هم وطنان در میدان ژاله شد. یکی از شاهدان عینی واقعه شب های ماه رمضان در این باره چنین می گوید "مردان و زنان، در میدان ژاله تا انتهای خیابان ژاله جمع شده بودند و آقای علامه نوری سخنرانی می کردند. بعد از گذشت چند شب، گاردی ها از قبل در میدان ژاله خاک اره و بنزین ریخته بودند تا بدین وسیله مانع هرگونه تظاهراتی شوند، بعد از اتمام سخن رانی، در حدود ساعت دوازده ونیم و به هنگام بلند شدن مردم، یکدفعه کبریت کشیدند و خیابان آتش گرفت. در آن شب به طرف مردم تیراندازی شد و مردم در کوچه های اطراف پراکنده شدند." (۲)

لذا می توان بیان داشت نطفه ی روز خونین ۱۷ شهریور، در شب های ماه رمضان و بعد از روی کار آمدن دولت به

اصطلاح آشتی ملی شریف امامی - در پنجم شهریور - بسته شد. روز سیزدهم شهریور ماه که مصادف با عید فطر بود دولت اجازه داد، مردم در سراسر کشور برای برپایی نماز عید فطر گرد هم آیند. نماز عید در چند نقطه تهران از جمله در میدان ژاله به امامت علامه یحیی نوری خوانده شد و بعد از اتمام نماز، مردم درحالی که پیراهن های خونین شهدای شب های قبل را بر سر چوب زده بودند در مسیر خیابان شهباز به راه پیمایی پرداختند. با برگزاری نماز عید فطر در سایر مناطق تهران، راه پیمایی عظیمی انجام گرفت.

اهمیت تظاهرات و حضور مردم در این راه پیمایی گسترده، از دید مفسران خارجی پنهان نماند. خبر گزاری آسو شیتد پرس در چهارده شهریور در تلکس خبری خود، تفسیری از جورج کرایسکی آورد و نوشت "شاه ایران با یک انقلاب گسترده عمومی که شدیدترین تهدید برای سلطنت وی است، مواجه شده است، بیشتر ناظران معتقدند که شاه ۵۸ ساله، تاج و تخت خود را حفظ خواهد کرد؛ اما به قیمتی گزاف. دوستان و دشمنان شاه همه عقیده دارند که اعتراضات عمومی روز افزون در هفت ماه گذشته، محمدرضا شاه پهلوی را به طرف دیواری رانده است که فقط دو مجرای خروج دارد: تفویض اساسی قدرت به مردم و یا دیکتاتوری شدیدتر از آن چه که منتقدانش تا به حال به وی نسبت داده اند. (۳) اما روزهای چهاردهم و پانزدهم نیز تهران شاهد راه پیمایی و تظاهرات مردم علیه رژیم بود. روز پانزدهم دو اقدام مهم از سوی رژیم صورت پذیرفت. یکی منع تشکیل اجتماعات و غیرقانونی اعلام شدن راه پیمایی ها از سوی دولت و دیگری، طرح مذهبی جلوه دادن رژیم و ایجاد اختلاف میان روحانیون بود که از سوی ساواک به شاه پیشنهاد شد. (۴) لیکن در روز شانزدهم شهریور ماه به رغم تلاش ساواک و ممنوعیت راهپیمایی از جانب دولت، مردم تظاهرات باشکوهی برگزار کردند. راه پیمایی و تعطیلی عمومی روز ۱۶ شهریور همان طور که شهید باهنر در خطبه های نماز عید در قیطریه بیان داشته بود به علت گرامی داشت یادشدهای خیابان ژاله ی تهران که در درگیری های شب های ماه رمضان به شهادت رسیده بودند، انجام پذیرفت. در طول مسیر راه پیمایی که از قیطریه شروع و به میدان آزادی ختم شد مردم شعارهایی همچون "مرگ بر این سلطنت پهلوی"، "ما پیرو قرآنیم"، "ما شاه نمی خواهیم"، "سکوت هر مسلمان، خیانت است به قرآن" بر زبان ها جاری بود؛ به طوری که ساواک درباره ی تظاهرات ۱۶ شهریور گزارش داده است "قشریون مذهبی و گروه های بر انداز مذهبی، بدون توجه به اعلامیه منع تظاهرات و بدون مجوز از طرف دولت پس از گذشتن از خیابان شاهرضا به طرف میدان شهیداحرکت و با این تظاهرات مقاصد باطنی خود را بیشتر نمایان کردند و شعارها و مطالبی را مطرح ساختند که مغایر با اساس و بنیادهای سیاسی، اجتماعی و نظام موجود در کشور بود. گروه های مذکور، در تظاهرات مذکور با وقاحت هرچه تمام تر، به تمام مقدسات ملی و میهنی حمله کردند." (۵)

به دنبال تظاهرات گسترده ی روز پنج شنبه شانزدهم شهریور ماه و دعوت مردم به برگزاری تظاهرات در روز جمعه هفدهم شهریور ماه، انقلاب وارد یکی دیگر از برهه های حساس خود شد. پایداری و استقامت ملت ایران به خصوص در راه پیمایی روز شانزدهم شهریور ماه رژیم را با چالشی جدی مواجه ساخت؛ به طوری که در اولین ساعات روز جمعه هفدهم شهریور ماه ارتشبد غلامعلی اویسی از رادیوی تهران و حومه اعلام حکومت نظامی کرد. به موجب این اعلامیه علاوه بر تهران در یازده شهر دیگر کشور به مدت ۶ ماه حکومت نظامی اعلام شد. مردم تهران که از حکومت نظامی اطلاعی نداشتند پیش از ساعت ۶ صبح، سیل آسا روی به خیابان ها آوردند. مرکز تجمع آنان میدان ژاله بود و

طبق برنامه قبلی خود را برای رساندن به میدان ژاله که آن روزها به دلیل شهادت تعداد زیادی از مردم به میدان شهدا تغییر نام داده بود آماده کردند. همین که مردم به خیابان های اطراف میدان رسیدند ناگهان با دیدن تانک ها و زره پوش های نظامی رژیم غافلگیر شدند. سرانجام ماموران رژیم پس از چند بار اخطار به متظاهرين حدود ساعت ۹ صبح از زمین و هوا به قتل عام مردم پرداختند. وحشی گری نیروهای نظامی رژیم ساعت ها ادامه داشت و در اطراف میدان پیکر شهیدان و مجروحانی بود که در صحنه نا برابر همچنان باقی مانده و خون هایی که هر گوشه ای از میدان را گلگون کرده بود.

حضرت امام روز هجدهم شهریور ماه با ارسال پیامی به ملت ایران ضمن ابراز همدردی با ملت، کشتار وحشیانه را محکوم نمودند و دولت آشتی ملی را دولتی تحمیلی و غیرقانونی اعلام داشتند. (۶) اما این واقعه خونین دارای پیامدهایی نیز بود که اینک به آنها خواهیم پرداخت.

### ۱- تردید و تزلزل در اراده رژیم در رویارویی با ملت:

به دنبال کشتار ۱۷ شهریور اراده و عزم رژیم در رویارویی با ملت سخت به تردید و تزلزل افتاد. چرا که شیوه های موسوم اعم از سرکوب و سازش در عمل شکست خورده بود، اجرای طرح حکومت نظامی که بر اساس نظریه مشاوران امنیتی و ساواک، بهترین سیاست ممکن جهت برقراری امنیت تلقی می شد، نتیجه عکس بخشید. و لذا شاه برای یافتن یک راه حل فوری و ضربتی برای پایان دادن به اوضاع آشفته و انقلابی کشور با صاحب نظران امور ایران و کارشناسان داخلی، رایزنی نمود. حاصل این گفت و گوها شاه را به این نتیجه رساند که ریشه همه نارضایتی ها در توسعه فساد و سوء استفاده های کلان مادی نهفته است. اما وضعیت کشور به حدی آشفته بود که رژیم سخت سر در گم شده بود و سرانجام آمریکا با پیام شفاهی برانسکی از طریق اردشیر زاهدی - سفیر ایران در آمریکا - شاه را بار دیگر به سوی سیاست مشت آهنین متمایل ساخت که نتیجه آن تشکیل کابینه نظامی به رهبری ارتشبد ازهراری بود.

### ۲- تزلزل ارتش:

حوادث ۱۷ شهریور اراده حکومت نظامی، انسجام ارتش را متزلزل و اراده آن را با تردید مواجه ساخت. استقرار طولانی مدت ارتش در میدان هاومراکز مهم شهر که می بایست همانند نیروهای انتظامی با انقلابیون مقابله کند، از کارآمدی ارتش و توان آن کاست. چرا که ارتش اساسا به منظور حفظ امنیت مرزها و پاسداری از کشور در برابر تهدیدات خارجی به وجود آمده بود. اما اکنون ارتش می بایست تحت فرمان فرمانداری های نظامی شورای امنیت استان عمل کند که خواه ناخواه با هیات دولت و سایر مراکز قدرت در نحوه و اجرای فرامین حکومت نظامی اختلاف نظر می یافت. این واقعیت با توجه به ساختار ارتش شاهنشاهی که شکاف عمیقی میان کادر فرماندهی با نیروهای مسلح از نقطه نظر گرایش های سیاسی و تمایلات ملی و مذهبی وجود داشت موضع ارتش را به عنوان سرکوبگر مخالفان سخت تضعیف می کرد.

امام خمینی (ره) یک روز پس از ۱۷ شهریور در اعلامیه ای در نجف خطاب به ملت ایران، شاه را دستوردهنده ی اعلان حکومت نظامی و مسئول کشتار مردم دانست و به ارتشیان هشدار دادند در کنار مردم قرار گیرند و از همین زمان باتلاش رهبران محلی انقلاب، بسیاری از ارتشیان به ملت پیوستند.

### ۳- گسترش اعتصابات و تضعیف روز افزون دولت:

از مهم ترین پیامدهای ۱۷ شهریور توسعه اعتصابات به شکلی فراگیر در سراسر کشور بود که ضربه ای مهلک بر بیکره اقتصادی و نیز حیات رژیم وارد آورد. مهم ترین ویژگی دوره تازه اعتصابات که در اندک زمانی پس از کشتار ۱۷ شهریور آغاز شد ماهیت کاملاً سیاسی آن بود که با هدف از پا در آمدن رژیم و فلج ساختن آن صورت می پذیرفت. با توسعه ی اعتصابات، آثار ضعف و دوگانگی در مجموعه نظام سیاسی آشکارا چهره نمود و رژیم را در مانده ساخت. زیرا در همان حال صاحبان سرمایه سخت به هراس افتاده بودند و از هرگونه سرمایه گذاری جدید به شدت ترس داشته و خوداری می کردند. در نتیجه ی بحران بیکاری رو به افزایش نهاد، فرار سرمایه ها و خروج ذخایر ارزی تشدید گردید و رژیم در سراشیبی سقوط قرار گرفت.

### ۴- تحکیم بخشیدن رهبری حضرت امام(ره) :

شریف امامی در آغاز تصدی نخست وزیری و درباره برنامه ها و سیاست های دولت آشتی ملی در مورد بازگشت امام خمینی(ره) اعلام کرده بود که بازگشت ایشان به کشور بلامانع است. (۷) و از اعزام هیاتی به منظور مذاکره و بازگشت ایشان به نجف خبر داد. اما حضرت امام در همان روز اول نخست وزیری شریف امامی را "نیرنگ شیطانی شاه" خواند و پیشنهاد آشتی با روحانیون را "وعده ی پوچ و فریبکارانه" دانست و مردم را به مقاومت و مبارزه تشویق کرد. (۸) با وقوع حادثه ۱۷ شهریور، حضرت امام، مسئول کشتار مستقیم مردم را شاه دانست و خواستار انهدام رژیم پهلوی شد. با شکست دولت آشتی ملی در پیشبرد سیاست های خود و ناکامی در جلب همکاری و مشارکت نیروهای سیاسی و مذهبی مخالف، رژیم را به اخراج حضرت امام از نجف متقاعد ساخت تا ایشان را هر چه بیشتر در انزوا و تنگنا قرار دهد. لذا با تبانی و همکاری دولت های ایران و عراق، ماموران امنیتی حکومت بعث، منزل حضرت امام را به محاصره گرفتند. این فشار که به منظور سکوت اجباری امام صورت گرفت نتیجه معکوس داد. حضرت امام که حاضر به تمکین از سیاست های دولت عراق نشده بود عازم پاریس گردید و این سیاست شاه که تصور می کرد بدین وسیله خطر مبارزه انقلابی حضرت امام (ره) را رفع کرده است در حقیقت یک خطای استراتژیک محسوب شد، زیرا با عزیمت امام به پاریس، وی در مواجهه مستقیم با محافل خبری و سیاسی جهان قرار گرفت و توانست در سطحی گسترده تر، آرمان ها و مواضع انقلاب را برای تمام جهانیان باز گو کند. این مسائل موجب شد تا تمامی نیروهای ملی و مذهبی چاره ای جز پیوستن به صفوف انقلاب تحت زعامت حضرت امام را نداشته باشند و این معنایی جز رهبری بلا منازغ و بی همتای حضرت امام نبود.

### ۵- تعمیق شکاف بین مردم و حکومت پهلوی :

۱۷ شهریور ۱۳۵۷ جدایی میان ملت و حکومت را عمیق تر کرد و امکان هر نوع پیوستگی یا سازش را از بین برد. همچنین مشی مبارزه مسالمت آمیز در چارچوب قانون اساسی به منظور احیای نظام مشروطه به شدت زیر سوال

رفت و روحیه تندروی و افراط گرایی در میان طیف های گوناگون مبارز و مخالف فرا گیر شد و تلاش ها برای سرنگونی رژیم پهلوی به شکلی قهر آمیز و انقلابی مورد حمایت قرار گرفت.

#### ۶- تشدید سر در گمی آمریکا در برابر مسائل ایران :

هم زمان با بحرانی شدن اوضاع و واقعه ۱۷ شهریور، روسای جمهور مصر، اسرائیل و آمریکا روز ۱۹ شهریور با شاه گفت و گو کردند. شاه در گفت و گو با کارتر واقعه ۱۷ شهریور را یک طرح شیطنانی از سوی کسانی دانست که از برنامه ایجاد فضای باز سازی کشور بهره مند شده و از آزادی های اعطا شده علیه وی سوءاستفاده کردند. او خواستار ادامه حمایت های آمریکا شد و هشدار داد در غیر این صورت دشمنانش او را غافلگیر ساخته و بر وی پیشی خواهند جست. (۹) کارتر نیز در پاسخ به درخواست های شاه او را از جهات گوناگون مطمئن ساخت و حمایت صریح خود را از اقدامات سرکوب گرانه شاه اعلام کرد. دو روز پس از حادثه ۱۷ شهریور اردشیر زاهدی - سفیر ایران در آمریکا - با وارن کریستوفر - معاون وزارت امور خارجه آمریکا - در واشنگتن دیدار نمود. کریستوفر ضمن تاکید بر حمایت دولت آمریکا از ایران، خواستار رعایت اعتدال در اجرای حکومت نظامی شد. اما زاهدی اعلام کرد، کمونیست های سازمان یافته تظاهرات را ترتیب می دهند و دولت آمریکا همراه با نیروهای اپوزیسیون توطئه براندازی شاه را تدارک دیده است. کریستوفر این اتهام را ناروا خواند و اظهار داشت تضعیف اعتماد به نفس شاه در این زمان مهم ترین عامل بروز و گسترش شورش هاست. (۱۰) به هر حال، حقیقت این است که تا وقوع حادثه ۱۷ شهریور هیچ یک از سران کاخ سفید در ریاست جمهوری، وزارت خارجه و سازمان سیا، بحران ایران را جدی و نگران کننده نمی دانستند. آنان با اظهار نظرهای سطحی و خوشبینانه درباره توانا پی تردید ناپذیر شاه در کنترل اوضاع کشور و خاورمیانه به حمایت خود ادامه می دادند. (۱۱)

در واقع می توان گفت واقعه ۱۷ شهریور نخستین زنگ خطر را برای زمامداران آمریکا به صدا در آورد. از همین زمان گروهی از سران آمریکا به بررسی دقیق تر و بازنگری کارشناسانه در حوزه مسائل ایران ترغیب شدند که ماحصل این بررسی ها چیزی جز سردرگمی هر چه بیشتر آمریکا در امور ایران نبود که با توصیه های ضد و نقیض به شاه همراه می شد و در نتیجه مسیر انقلاب را هر چه بیشتر هموار می ساخت.

#### نتیجه گیری:

بی تردید، قیام ۱۷ شهریور را می توان به عنوان یکی از نقاط عطف مبارزات ملت مسلمان ایران علیه رژیم پهلوی دانست. ابعاد عظیم کشتار و سرکوب مردم بی گناه در این روز باعث شد تا انقلابیون و رهبران آن ها در حرکت خود مصمم تر گردند و در این بین رهبری مدبرانه حضرت امام خمینی (ره) نقشی به سزا داشت. حمایت های سران به اصطلاح دموکرات آمریکا از رژیم پهلوی در سرکوب مبارزین نیز باعث گردید تا ادعاهای به اصطلاح حقوق بشری و دموکراتیک آن ها در بین مردم رنگ ببازد و ماهیت اصلی آنان برای مردم ایران هرچه بیشتر نمایان گردد. در مجموع باید گفت قیام خونین ۱۷ شهریور عاملی موثر در تشدید مبارزات مردمی و تسریع در سقوط رژیم پهلوی به شمار می رود.

## منابع

- ۱- غلام رضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج سال ایران؛ از کودتا تا انقلاب، تهران، نشر رسا، ۱۳۷۳، جلد چهارم، صفحه ۷۴
- ۲- محمد طحان، تاریخ شفاهی قیام ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، صفحه ۳۹
- ۳- روز شمار انقلاب اسلامی، تهران، دفتر هنر و ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، جلد ۵، صفحه ۶۴
- ۴- محمد طحان، پیشین، صفحه ۵۷
- ۵- روز شمار انقلاب اسلامی، پیشین، صفحه ۵۷
- ۶- صحیفه نور، جلد ۲، صفحه ۱۰۰-۱۰۱
- ۷- غلام رضا نجاتی، پیشین، جلد دوم، صفحه ۸۳
- ۸- صحیفه نور، جلد اول، صفحه ۵۶۸-۵۶۹
- ۹- غلام رضا نجاتی، پیشین، صفحه ۹۲-۹۳
- ۱۰- غلام رضا نجاتی، پیشین، صفحه ۹۴-۹۵
- ۱۱- زیگنیو، بروژینسکی، خاطرات برژینسکی صفحه ۲۶-۲۷